

### خلاصه درس:

شیخ انصاری، قاعده را از قواعد مشهور می‌داند و در بیان گستره قاعده می‌فرماید: «و المراد بالطرح اعم من طرح احدهما لمرجح فی الآخر فیکون الجمع مع التعادل اولی من التخییر و مع وجود المرجح اولی من الترجیح»<sup>1</sup>. در بیان اقسام‌شناسی و مصداق‌شناسی قاعده قصه تعارض دو دلیلی که رابطه عام و خاص من وجه دارند، مطرح است. محقق طباطبایی صاحب عروة - که بیش از دیگران در اطراف این قاعده صحبت کرده<sup>2</sup> - فرموده است: «لا فرق فی الجمع و عدمه بین الظاهرین المحتاجین الی تأویلین - علی فرض الجمع و بین الظاهرین المحتاجین الی تأویل احدهما لا بعینه، کالعامین من وجه و کقوله: «اغتسل للجمعة» الظاهر فی الوجوب و قوله: «ینبغی غسل الجمعة» الظاهر فی الاستصحاب»<sup>3</sup>. در ارتباط با مفهوم شناسی واژه‌های به کار رفته در دلیل محقق طباطبایی برای «امکان» پنج احتمال را مطرح می‌کند: امکان عرفی، امکان بشاهد من عقل او نقل، امکان با تاویل بعید بدون شاهد با فرض تعیین تاویل (فقط یک راه)، همان صورت سوم با فرض تعدد تاویل با اقرب‌بودن یکی از تاویل‌ها، همان صورت چهارم با عدم فرض اقرب‌بودن یکی از تاویل‌ها بر بقیه. وی محل بحث و گفتگو را سه صورت اخیر و دو مورد اول را بدون اشکال و نزاع می‌داند.<sup>4</sup> (و خارج از قاعده با ارتکاز معروفی که از آن است).

1. فرائد الاصول، ج 4، ص 19.

2. کتاب التعارض، صص 113-178.

3. همان، ص 170.

4. همان، صص 121-122.

### مشروح درس:

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز می‌رویم سراغ برخی از بزرگان این بحث. قرار شد اولین بحث در این مبحث مفهوم شناسی، مصداق شناسی و اقسام شناسی قاعده ی الجمع مهما ممکن باشد. یکی از کسانی که در همین ارتباط مطلب دارد شیخ اعظم است. ایشان در بحث از گستره و اقسام قاعده به این نکته اشاره می‌کند که کسانی که این قاعده را مطرح می‌کنند نظرشان هم به صورتی است که یکی از ادله بر دیگری ترجیح دارد و هم به صورتی است که هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارد. مثلاً دو روایت تعارض دارند ولی هر دو مشهورند یعنی هر دو صحیح‌السند و بین علما مشهور هستند. در این موارد اگر سراغ الجمع مهما ممکن نرویم باید یکی را ترجیح دهیم و چون هیچ کدام ترجیح ندارد می‌شود تعادل و قاعده تساقط یا تخیر است ولی اگر معتقد به الجمع باشیم می‌گوییم در ظهور هر دو یا یکی تصرف کن و سراغ تساقط و تخیر نرو. گاهی هم یکی از دو دلیل بر دیگری ترجیح دارد مثلاً دو روایت معتبر هستند که یکی برخوردار از شهرت است و شهرت یک ترجیح به حساب می‌آید در این موارد روایتی که دارای ترجیح است بر دیگری مقدم می‌شود ولی اگر به قاعده ی الجمع مهما ممکن معتقد باشیم باید بگوییم در این موارد هم الجمع مهما ممکن اولی من الطرح. این مطلب را شیخ انصاری این‌گونه بیان می‌کند: مراد از طرح در اولی من الطرح اعم از جایی است که طرح می‌کنیم لمرجح و جایی که طرح

کنیم لا لمرجح. پس الجمع مهما ممکن در مقابل چند نهاد است: ترجیح نه، تساقط نه، تخییر نه بلکه الجمع مهما ممکن ... . پس از شکم این قاعده دو چیز بیرون می آید: الجمع مهما ممکن اولی من التخییر. الجمع مهما ممکن اولی من الترجیح.

یک بحثی که در قاعده ی الجمع مطرح است این است که ما اگر بخواهیم بین دو دلیل جمع کنیم این سؤال مطرح می شود که آیا تفاوت است بین مواردی که باید در هر دو دلیل تصرف کنیم و موردی که باید در یکی از ادله تصرف کنیم؟ آیا قاعده ی الجمع مهما ممکن شامل هر دو مورد می شود؟

در عام و خاص من وجه در هر دو دلیل تصرف می کنیم چون دو دلیل در مجمع تعارض می کنند و ما مجبوریم در ظهور هر دو تصرف کنیم تا بتوانیم دو دلیل را با هم جمع کنیم. ولی اگر یک دلیل دلالت بر امر دارد (ظهور در وجوب دارد) و یک دلیل نص در استحباب است. در این جا ظهور را حمل بر نص می کنند. یک دلیل می گوید اغتسل للجمعه و دلیل دیگر می گوید يستحب غسل الجمعه یا ینبغی غسل الجمعه. در این جا در صیغه ی امر تصرف می کنیم و حمل می کنیم آن را بر استحباب و به دیگری هم کاری نداریم. لذا شیخ می گوید الجمع مهما ممکن هم مصداقش جایی است که عام و خاص من وجه باشد که هر دو باید تأویل بروند و هم عام و خاص مطلق که یکی باید مورد تصرف واقع شود. البته خیلی از افراد این را قبول ندارند و می گویند اگر این قاعده را قبول کنیم دیگر شامل عام و خاص من وجه نمی شود و در عام و خاص من وجه قواعد تعارض را جاری می کنند. ولی ایشان می گوید اگر کسی قائل به این قاعده شود باید توسعه دهد.

از نظر فنی مفهوم شناسی غیر از مصداق شناسی است چنانکه این دو غیر از مصداق شناسی است. مفهوم شناسی یعنی توضیح دادن قاعده. بیان این که کجا می آید و کجا نمی آید تقسیمات است و این که در خارج آن مورد از آن مصادیق است یا نه این می شود مصداق شناسی. و این که شما می بینید ما الآن این ها را از هم تفکیک نمی کنیم برای این است که ما با بزرگانی سر و کار داریم که این بحث ها را از هم جدا نکرده اند.

یک بحث مفهوم شناسی دیگر: الجمع مهما ممکن، این تا ممکن است مراد چیست؟ تا ممکن است به ای قیمة کان؟ یا تا ممکن است یعنی تا زمانی که شاهد داشته باشد و الا اگر این نباشد هیچ جایی پیدا نمی شود که جمع نشود. لذا مرحوم سید این امکان را آزاد معنا می کند و بعد می گوید کدامش ممکن است؟ اول احتمالات را می گوید و بعد می گوید کدامش مراد است.

### عبارت محقق طباطبائی:

در ارتباط با مفهوم شناسی واژه های به کار رفته در دلیل محقق طباطبائی برای امکان (مهما ممکن) پنج احتمال مطرح می کند:

- 1- امکان عرفی: اگر این باشد خیلی مواردش کم می شود. این مورد قائل دارد و قائلش هم مرحوم آخوند است.
- 2- امکان بشاهد من عقل او نقل: مثال عقلی مثل آن مواردی که عموماً داریم که با عقل سازگار نیست مثل رفع ما لا یعلمون که با ادله ای که می گوید باید بروی دینت را یاد بگیری و می گوییم این رفع ما لا یعلمون نمی خواهد تنبیل درست کند بلکه رفع ما لا یعلمون عن قصور نه عن تقصیر. این شاهد عقلی دارد.
- مثال برای شاهد نقلی: روایاتی داریم دال بر این که بیع سلاح به دشمنان دین جایز است مطلقاً از طرف دیگر روایاتی می گوید جائز نیست مطلقاً. علما می گویند اگر زمان جنگ باشد جائز نیست و اگر زمان صلح باشد جائز است و شاهد این جمع هم روایاتی است که همین تفصیل را بیان می کند.

سؤال: این مورد با مورد قبلی چه تفاوتی دارد؟ در این جا هم عرفی است و عرف وقتی عقل یا نقل را می بیند جمع می کند؟

جواب: اگر سید این ها را جدا نکرده بود ما هم توجیه نمی کردیم ولی حالا که سید جدا کرده باید بگوییم امکان عرفی در جایی است که لازم نیست از بیرون شاهد بیاوریم و از داخل خودشان شاهد می آوریم مثل عام و خاص، مطلق و مقید اما دومی در جایی است که از بیرون شاهد می آوریم. پس الجمع مهما ممکن یعنی جایی که شاهد داریم ولو شاهدش از خارج باشد.

3- مراد از امکان نه امکان عرفی نه جایی که شاهد دارد بلکه امکان با تأویل بعید بدون شاهد است، یعنی به هر قیمتی البته با فرض تعین تأویل. یعنی یک دانه توجیه بیشتر ندارد

4- همان صورت سوم با فرض تعدد تأویل البته با اقرب بودن یکی از تأویل ها نسبت به بقیه ی تأویل ها.

5- همان صورت چهارم با فرض عدم اقرب بودن یکی از تأویل‌ها نسبت به بقیه.  
وی محل بحث و گفتگو را سه صورت اخیر می‌داند و دو مورد اول را بدون اشکال و نزاع می‌داند (و طبیعتاً می‌گوید از قاعده خارج است البته با ارتکازی که از قاعده هست).